

جوان اولان که بودند؟

آشنایان ره عشق در لیلین بحر عمیق

غرقة کشتد و گشتد به آب آلوده

(حافظ)

رئیس طوسی، رضا: «بچه‌ها در تعریف مفهوم حیات، متوجه کیفیت نقش خودشان در حیات بودند تا کمیت زندگی‌شان. اصلاً به کمیت حیات اعتنا نداشتند. در پی آن بودند که در کیفیت حیات چقدر می‌توانند موثر باشند. زندگی اگر یک روز است در همان یک روز چه نقشی می‌توانستند ایفا کنند. صد روز زندگی بی‌نقش، چه ارزشی؟ از این منظر، همه زندگی‌شان را برنامه‌ریزی می‌کردند، هم برای آمادگی ذهنی، هم برای آمادگی عملی، برای تغییر، به قصد تغییر».

۱۳۸۴/۶/۹

توسلی، محمد: «این گونه فکر می‌کنم که برای ارزیابی انسان‌ها، بهترین روش آن است که عمل و نظرشان را با یک منبع و مرجع قابل اعتماد بسنجیم. بهترین منبعی هم که در دست است قرآن است. ببینیم که قرآن چگونه انسان‌ها را طبقه‌بندی می‌کند. بر این اساس می‌توانیم یک نگاه متدیک به انسان‌ها داشته باشیم».

در سوره حمد که هفت آیه‌اش در واقع معادل کل قرآن است و ما آن را بارها در نماز قرائت می‌کنیم، به راه مستقیم _ مراد راه کسانی که به آن‌ها نعمت داده شده _، اشارت دارد. این «نعمت» چیست؟

در آیه ۶۹ سوره نساء «و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیه من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً» به انسان‌های کمال‌یافته‌ای اشاره می‌شود که مشحون از نعمت‌ها هستند؛ انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین.

شایان دقت است که «نبیین» که جمع نبی است از نبی‌ء به معنای «آورنده خبر حق» آمده است: «کسی که آورنده پیام حق است». انسان‌هایی می‌توانند نبی باشند اما رسالت خدایی نداشته باشند. آن‌ها می‌توانند نقش پیام‌آوری و آگاهی‌بخشی داشته باشند. هر رسولی نبی هست ولی هر نبی، رسول نیست. انسان‌ها می‌توانند حامل پیام و بشارت باشند.

ویژگی دوم «نیکورفیقان» در آیه مذکور، صدق است. صدیق از صیغه مبالغه است و مُشبهه هم هست به معنای فردی که هم صدق دارد و هم بر صدقش، ممارست دارد؛

کسی که صدق در وجودش نهادینه شده است، به تعبیری، هماهنگی بیرون و درون در او وحدت یافته و به دور از دوگانگی است.

و سپس «شهید» و «صالح»؛ شهید به مفهوم گواه زنده و صالح به معنای فردی که در بزنگاه و هنگام ضرور، دست به عمل صالح می‌زند.

در نهایت اگر چهار واژه کیفی و پربار مندرج در آیه را مبنای سنجش عمل انسان‌ها قرار دهیم به آن‌هایی می‌رسیم که مشمول نعمت خدا شده‌اند. انسان‌هایی که مدام خود را پایش و پالایش می‌کنند و دائماً نگران هستند. اگر زندگی پیشگامان این جریان فکری را مشاهده کنیم از جمله طالقانی، بازرگان و سبحانی را، این چهار ویژگی را در آن‌ها درمی‌یابیم. انسان‌هایی که پس از درگذشت‌شان نیز همه آن‌ها را دوست دارند و دوگانگی در آن‌ها سراغ نداریم.

حنیف و سعید و بدیع‌زادگان هم از اعضای انجمن اسلامی و نهضت بودند و پس از ۱۵ خرداد به مطالعه دست یازیدند و احساس وظیفه‌ای برای دست زدن به عمل صالح داشتند. اما قبل از اقدام به عمل صالح، مراحل اولیه را طی کرده بودند؛ مطالعه متمرکز، رشد عقلانی و معرفتی و مراتب صداقت. به لحاظ سجایا نیز، در جایگاه خود، الگو بودند. از مطالعه و حس وظیفه به آگاهی رسیدند. به استراتژی دست یافتند، دیگران را آگاه کردند و وقتی به عمل صالح رسیدند، تمام وجودشان را وقف آن کردند. سازمانی ایجاد کردند و در دورانی که عمل کردند، تأثیری بسیار جدی در تحولات کیفی اجتماعی داشتند».

۱۳۸۴/۹/۳

میشمی، لطف‌الله: «یکی دیگر از ویژگی‌های مجاهدین، این بود که آن‌ها مسلمان بودند. جامعه ما اسلامی و قرآنی و امام‌زمانی است. در تمام خانه‌ها در وهله اول قرآن و بعد مفاتیح و کتاب‌های دیگری مثل دیوان حافظ، مثنوی، شاهنامه و... یافت می‌شود که همه این آثار ملی، رنگ و بوی قرآنی دارند. در چنین جامعه‌ای وقتی گروه پیشتازی که بیش از دیگران احساس مسئولیت می‌کند و به دنبال کسب روش و شیوه می‌رود و مسلمان است و می‌گوید که ما از دل همین فرهنگ اسلامی می‌توانیم ضرورت مبارزه انقلابی را بیرون بکشیم، حتماً رنگ و بوی مردمی دارد. در کتاب دفاعیات مجاهدین آمده که

جوان اولان که بودند؟ / ۵۱۱

هر دینی، رهبانیتی دارد و رهبانیت دین اسلام، جهاد است یا می‌گفتند محراب که در مساجد وجود دارد و از آن تعبیر سنتی می‌شود، به معنای محل محاربه و جنگیدن با نفس است. احیای امر به معروف و نهی از منکر و سنت جهاد هم از دیگر کارهای مجاهدین بود که خیلی اهمیت داشت. به قول دکتر شریعتی، کار روشنگر و روشنفکر مذهبی، این نیست که آنچه را که در غرب یادگرفته، طوطی‌وار در ایران تکرار کند، بلکه کار او پیوند مکتب با سنت و تعالی دادن سنت‌های مردمی است».

خاطرات تحلیلی، ۱۳۷۹/۱۲/۴، صص ۲۴۶-۲۴۷

صاحب‌الزمانی، عباس: «آقای طالقانی در جلسات قرآن پنجشنبه‌ها در مسجد هدایت، خطاب به بچه‌هایی مثل حنیف و سعید محسن می‌گفت: «چهره‌های شما را که می‌بینم، حرف‌هایی می‌زنم که در شرایط عادی، گفتن آن‌ها برایم میسر نیست و نمی‌توانم بنویسم. نوری در چهره‌های شماست». به تعبیری آقای طالقانی از خلوص آن بچه‌ها، انگیزه و انرژی می‌گرفت».

۱۳۸۴/۸/۱۹

میثمی، لطف‌الله: «وقتی در شهریور ۵۰ مجاهدین لو رفتند، آقای طالقانی در مسجد هدایت احیا می‌گرفت (ماه رمضان و شب‌های قدر بود) و از بچه‌ها اسم می‌برد و می‌گفت که این‌ها در زندان هستند و برایشان دعا می‌کرد. ایشان به خاطر مجاهدین تا دو سال در زاهدان و کرمان و... در تبعید به سر بردند و در سال ۵۲ از تبعید به تهران برگشتند».

خاطرات تحلیلی، ۱۳۷۹/۱۲/۴، صص ۲۴۲-۲۴۳

«در سال ۴۱ که کنگره انجمن‌های اسلامی متشکل از انجمن‌های اسلامی مهندسين، پزشکان، دانشجویان، کانون توحید و عده‌ای از روحانیون، تشکیل شد، در آن جا سخنرانی‌هایی راجع به مرجعیت و روحانیت ایراد گردید. شهید مطهری تحلیلی از روحانیت داشتند که در آن جا روحانیت شیعه را عوام‌زده و روحانیت تسنن را دولت‌زده و تابع حکومت می‌دانستند و می‌گفتند: «جامعه الازهر از خودش استقلال ندارد و بودجه‌اش را دولت می‌دهد و مجبور است خط دولت را برود». و در مورد

روحانیت شیعه می‌گفتند: «روحانیت شیعه دولت‌زده نیست و با حکومت هم مبارزه کرده ولی ایرادی که دارد این است که چون با توده‌ها پیوند دارد، از مردم تغذیه می‌شود، بنابراین عوام‌زدگی هم دارد».

شهید حنیف‌نژاد به این مقاله خیلی توجه می‌کرد و می‌گفت: «اگر ما توده‌ها را در یک خط مشی اسلامی ضدسلطنت، ضدصهیونیسم و ضدامپریالیسم بسیج کنیم، آن بخش از روحانیت که صادق‌تر و انقلابی‌تر هستند، این خط را تأیید می‌کنند، که هم موجب رشد می‌شود و هم خودشان تعالی پیدا می‌کنند و آن طیف‌هایی از روحانیت هم که جلوی بسیج توده‌ها بایستند منزوی می‌شوند». او معتقد به برخوردهای شکلی با روحانیت و یا متهم کردن‌شان نبود. بعد هم دستاوردهای خود را با آقایان آیت‌الله طالقانی، خامنه‌ای و جعفری تبریزی در میان گذاشت و با مهندس بازرگان و مهندس سبحانی هم برخورد کرد و همین پیوندش با روحانیت موجب شد که بعد از دستگیری او کل روحانیت به طرفداری او آشکارا یا غیرآشکارا وارد عمل شود. مثلاً آیت‌الله قاضی طباطبایی تبریزی از ایشان خیلی حمایت کردند و به آیت‌الله شریعتمداری فشار وارد آوردند که ایشان نیز حمایت کنند که البته اقدام جدی صورت نگرفت. آیت‌الله منتظری برای مجاهدین سهم امام می‌دادند، آقای لاهوتی با تمام وجود همکاری می‌کرد، آقای رفسنجانی حتی بعد از مارکسیست شدن جریان چپ‌نما باز هم کمک می‌کرد تا آن‌ها را از نظر عاطفی تحت تأثیر قرار بدهد که از مارکسیسم برگردند. شهید شیخ عباس اندرزگو و شهید مطهری هم به هر نحوی که می‌توانستند کمک می‌کردند. کمک و حمایت پدر طالقانی هم بر کسی پوشیده نیست و بالأخره تمام روحانیت، سازمان را تأیید می‌کردند و حتی طلبه‌ها در روستاها گفته بودند که شب‌ها رادیو میهن پرستان را که برنامه مجاهدین است گوش بدهید».

شيوه‌های محمدآقا (۲)، صص ۳۶-۳۷

میشمی، لطف‌الله: «آقای طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، مهندس سبحانی، شیبانی، حکیمی و همین زند کرمانی و امثال آن‌ها، همگی این حرکت را تأیید می‌کردند. از این گذشته مراجع هم بر این کار صحه می‌گذاشتند. حتی آیت‌الله

جوان اولان که بودند؟ / ۵۱۳

شریعتمداری هم با همهٔ محافظه‌کاری‌اش، تا این حد جلو آمد که به شاه تلگراف زد و گفت که شما سران مجاهدین را اعدام نکنید».

خاطرات تحلیلی، ۱۳۷۹/۵/۵، ص ۱۳۳

میثمی، **لطف‌الله**: «وقتی مجاهدین لو رفتند و بعد اعلام موجودیت کردند، مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی، شهید رجایی، آیت‌الله منتظری، محمد منتظری و ... به شکل مخفی یا علنی آن‌ها را تأیید کردند. اعضای بیت امام در نجف نیز همگی مجاهدین را تأیید می‌کردند و حتی از امام هم گله می‌کردند که چرا شما هنوز سکوت می‌کنید و باید آن‌ها را علناً تأیید کنید. در مورد رابطهٔ امام و مجاهدین هم، می‌خواهم برای اولین بار نکته‌ای را بگویم. آقای دکتر رئیس‌طوسی نقل می‌کرد در سال ۵۴ که در لندن بودم، آقای هاشمی رفسنجانی هم از ایران به عراق به دیدن مرحوم امام رفته بود و بعد به لندن آمده بود. آقای رئیس‌طوسی از قول آقای رفسنجانی می‌گفت که من خدمت امام رفتم و امام گفتند که من تا به حال نه مجاهدین را تأیید کرده‌ام نه تکذیب. (به هر حال خود همین مهم بود که مجاهدین را تکذیب نکرده بودند) ولی همهٔ دوستان ما در ایران مجاهدین را تأیید کرده‌اند و من هم تصمیم دارم که از حالا به بعد آن‌ها را تأیید کنم. اما آقای هاشمی که با بهرام آرام ارتباط تشکیلاتی داشت و از آهنگ تغییر ایدئولوژی باخبر بود، به آیت‌الله خمینی گفت که بهتر است همان رویهٔ قبلی خودتان - یعنی نه تکذیب و نه تأیید - را ادامه دهید. به هر حال آیت‌الله خمینی هم به این رسیده بود که مجاهدین را تأیید کند ولی از ایران خبر می‌رسید که این‌ها دارند تغییر ایدئولوژی می‌دهند و این کار را نکنید. اگر امام آن موقع مجاهدین را تأیید می‌کرد، خوب، ضربه زیادی می‌خورد. چون مصادف با تغییر ایدئولوژی و مارکسیست شدن سازمان بود. اگر آیت‌الله خمینی آن اوایل که مجاهدین جانفشانی می‌کردند، جهاد می‌کردند و نمازجماعت‌های صدنفری در زندان برگزار می‌شد، آن‌ها را تأیید می‌کردند، خیلی بهتر بود. سازمان هم با ایشان پیوند بیشتری برقرار می‌ساخت و اگر هم آیت‌الله خمینی نصیحت و موعظه‌ای به آن‌ها می‌کرد، تأثیر بیشتری داشت. خود آقای خامنه‌ای هم - که رهبر نظام و منتخب خبرگان است - به هر حال نه تنها با سازمان مجاهدین همکاری داشت بلکه به خانه‌های تیمی هم می‌آمد و با حنیف‌نژاد خیلی مأنوس بود و بعد هم که

این‌ها [سران مجاهدین] شهید می‌شوند، با گفتن کدش با احمد رضایی ارتباط برقرار می‌کند. [این مطلب را خودشان در مصاحبه‌ای اعلام کرده بودند.] آقای هاشمی رفسنجانی هم از ابتدا در تمام مراحل با بچه‌های سازمان ارتباط داشت. حتی در زندان قزل قلعه هم که بود به طلبه‌ها می‌گفت که هر کسی که با مجاهدین مخالفت کند، من اعلام می‌کنم که ... در خط ساواک است. آقای ربانی شیرازی هم در زندان قزل قلعه به بچه‌ها گفته بود که چرا به من اطلاع ندادید تا به شما اسلحه بدهم و کمک مالی کنم؟ خلاصه، این افرادی که بعداً سردمدار انقلاب شدند، در مقطعی که فشار و خفقان زیادی وجود داشت، این را برای خودشان افتخاری می‌دانستند که عضو سازمان مجاهدین باشند یا با آن ارتباط داشته باشند یا با یکی از شخصیت‌های سازمان ملاقات کرده باشند».

خاطرات تحلیلی، ۱۳۷۹/۱۲/۴، ص ۲۵۰

میثمی، لطف‌الله: «در سال ۵۲ با مهندس احمد جلالی _ که بعد از انقلاب همراه با مرحوم طالقانی برنامه «قرآن در صحنه» را اجرا می‌کرد _ ارتباط تشکیلاتی و مخفی داشتم. ایشان با شهید مطهری و مرحوم دکتر عنایت و حداد عادل و چند نفر دیگر ارتباط داشت. من از ایشان پرسیدم که نظر آقای مطهری راجع به سازمان چیست؟ او گفت: «اتفاقاً یک روز در دانشکده الهیات نظر ایشان را پرسیدم. ایشان عمامه‌اش را برداشت و روی میز گذاشت و مدت یک ربع ساعت فکر کرد و بعد گفت: اصلاً من کجا و مهندس اصغر بدیع‌زادگان کجا؟ من چه صلاحیتی دارم که راجع به مهندس بدیع‌زادگان صحبت کنم؟» آقای مطهری در سال ۵۱ برای دیدن آیت‌الله انواری به زندان قصر می‌رود. آیت‌الله انواری در آن زمان در زندان شماره ۴ قصر بود که مهندس سبحانی هم در آن جا به سر می‌برد. آقای مطهری به ایشان می‌گوید: «هوای بچه‌های مجاهد را داشته باش، این‌ها بچه‌های خیلی خوب و پاکی هستند». آقای انواری می‌گوید: «از نظر ایدئولوژیک چطور؟» آقای مطهری جواب می‌دهد: «این‌ها قرآن را هم بهتر از ما تفسیر می‌کنند». این را خود انواری برای مهندس عزت‌الله سبحانی نقل کرده که مهندس هم این خاطره را به من گفته است. یا مثلاً آیت‌الله بهشتی پیغام‌های زیادی می‌داد تا یکی از رهبران سازمان را ملاقات کند. وقتی از زندان شیراز آزاد شدم، مهندس توسلی گفت که

جوان اولان که بودند؟ / ۵۱۵

ایشان کاری دارد. من به خانه آیت‌الله بهشتی رفتم و صحبت‌های زیادی شد. آقای بهشتی گفت: «شما در جبهه، ما در پشت جبهه؛ ان‌شاءالله به هم خواهیم رسید». این جمله‌ای بود که ایشان گفت. بعد این نکته را بیان کرد: «چیزی که اسلام کم دارد، عمل است و عمل را هم مجاهدین انجام می‌دهند و اگر خدای نکرده مجاهدین ضربه بخورند، اسلام ضربه خورده است». به هر حال ایشان چنین تبیینی از کار مجاهدین داشت. رابطه مجاهدین با مرحوم طالقانی هم که نیاز به توضیح ندارد. به حضور آیت‌الله جعفری تبریزی هم می‌رفتیم و می‌گفتیم: «حاج آقا، بچه‌ها به نهج‌البلاغه نیاز دارند، نهج‌البلاغه را تفسیر کنید. کتاب تفسیر مثنوی شما به زندان آمد و ما از آن استفاده کردیم». ایشان هم پیام ما را می‌گرفت و می‌پذیرفت و بعد در زمینه نهج‌البلاغه کار می‌کرد. دکتر شریعتی هم در کتاب «پس از شهادت»، صراحتاً از شهادت بنیان‌گذاران یاد کرد و گفت: «آن‌ها که رفتند، کار حسینی کردند و آن‌ها که مانده‌اند باید کاری زینبی کنند و گرنه یزیدی‌اند» و این واقعاً عجیب بود که دکتر شریعتی با آن همه ابعاد توده‌های اش چنین تأییدی از مجاهدین کرد.

خاطرات تحلیلی، ۱۳۷۹/۱۲/۴، ص ۲۴۹

سحابی، عزت‌الله: «آقای انواری برای من نقل کرد که مرحوم مطهری برای ملاقات من به زندان قصر آمده بود. او به من گفت: «حالا دیگر تفسیر قرآن را باید این بچه‌ها انجام دهند. ما اکنون به روز نیستیم». مطهری آن زمان (سال ۵۰) بانیان را تأیید می‌کرد».

۱۳۸۴/۱۱/۴

توسلی، محمد: «آقای هاشمی به دفعات این مطلب را در مورد بچه‌های سازمان می‌گفتند: _ هم در قزل‌قلعه و هم بعدها در عشرت‌آباد که ارتباط نزدیک‌تری با هم داشتیم _ «من در طول تاریخ اسلام فرزندان با این خصوصیات سراغ ندارم. هم به لحاظ ایمان و هم از نظر آشنایی با معارف اسلامی». من با توجه با صحبت‌هایی که آقای رضا باکری در سلول با من کرده بود و ارتباطی که با بقیه داشتم به آقای هاشمی گفتم: «من یک رگه‌هایی از ناخالصی در این بچه‌ها می‌بینم و این جای نگرانی دارد. رضا باکری در سلول به من گفت که ما اگر مسلمان خوبی نباشیم، مارکسیست خوبی

هستیم» هاشمی گفت: «نه اصلاً مهم نیست، این‌ها اصلاح می‌شوند. در جریان عمل خودشان، خودشان را اصلاح می‌کنند و مهم مایه‌هایی است که دارند و آن مایه‌ها بچه‌ها را حفظ می‌کند». هاشمی کاملاً معتقد به سازمان و وفادار به سازمان و سمپات سازمان بود و همان طور که می‌دانید کمک‌های مالی قابل ملاحظه‌ای می‌کرد، لجستیک سازمان بود و به همین خاطر هم تا انقلاب در زندان بود».

۱۳۸۴/۹/۳

حسینی بهشتی، سیدمحمد: «انقلاب ایران بر پایهٔ مثلث «خشم» بنا شده است؛ خمینی، شریعتی، مجاهدین».

جلسهٔ اعضای انجمن اسلامی دانشجویان پاریس، پاییز ۱۳۵۷، به نقل از یکی از اعضای انجمن

عراقی، مهدی: «مجاهدین با این عملیاتی که کردند و خون‌هایی که دادند، می‌توانیم بگوییم که یک پایه از انقلاب امروزی را برای خودشان اختصاص دادند. این هم یک واقعیتی است که ما نمی‌توانیم آن را انکار کنیم».

ناگفته‌ها، خاطرات شهید حاج مهدی عراقی، پاریس، پاییز ۱۹۸۷ - ۱۳۵۷

محمود مقدسی، مسعود دهشور، حمیدرضا شیرازی، رسا، ۱۳۷۰

افتخار، سیدحسن: «تنها دیکتهٔ نانوشته غلط ندارد، کسی که وارد صحنهٔ مبارزه می‌شود، به لحاظ فردی و گروهی از خطا مصون نیست؛ بنابراین من صرف نظر از اعتقادات و باورها، برای تمامی کسانی که وارد صحنهٔ مبارزه شدند احترام می‌گذارم. در گذشته آن‌هایی که وارد صحنهٔ مبارزه می‌شدند _ اعم از دانشجو و غیردانشجو _ افرادی با استعداد بودند. اگر این‌ها وارد صحنهٔ مبارزه نمی‌شدند و می‌خواستند در کار حرفه‌ای و شخصی خودشان به زندگی ادامه بدهند، تک‌تک‌شان از افراد سرشناس و مدیران رده بالا می‌شدند، ولی این‌ها جان به کف گرفتند؛ عده‌ای شهید و عده‌ای زندانی شدند. من در مقابل تمام این‌ها سر تعظیم فرود می‌آورم».

چشم‌انداز ایران، شمارهٔ ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۸۲، ص ۴۴

همراه تا سال ۴۷: «آن‌ها [بنیان‌گذاران] از خود، خروج کرده بودند. از خود، قدمی بیرون گذاشته بودند. خروج، کلید تحولات است. انسان‌هایی باید باشند که یک

جوان اولان که بودند؟ / ۵۱۷

و جب از خود خارج شوند. به غیر از خود فکر کنند؛ به هم‌نوع، به همسایه، به دیگران. در این صورت است که اتفاقی رخ می‌دهد، تحولی نمایان می‌شود. اساساً حلول تمدن در فردیت انسان‌ها، در شکل خروج از خود و ارتباط فعال با دیگران و طبیعت پیرامونی است.

این خروج، بحث یک نفر و دو نفر نبود، یک روح قابل گسترش بود. بچه‌ها از خود خارج شده بودند و اساساً سازمان از کسانی ضربه خورد که از خود خارج نشده بودند».

۱۳۸۴/۷/۲۴



لذ سرگرد قضاٹی محسن زعفرانچی

سیار داوستانہ محکمہ ارس

دربارہ اجراء حکم

محترم من نہ نامندگن زلف سیار داوستانہ محکمہ ارس دربارہ اجراء حکم منج نفوذ

لذ عرفانکارت در ریش ساعت ۱۲:۰۰ باعداد روز ۴، ۳، ۲، ۱ در زلف تزلزلہ روزی

باجاق منشی دادگاه سکر بر نظر سکر ۱ حاضرین لذ لہذا لازم لذ لہذا باقی سکر ۲

پرنک تاؤنی طرز میدان حرکت در ساعت ۰۱:۰۰ باعداد حکم اجراء مجدد اجراء

ترتیب پرنک تاؤنی مساندہ گردہ پرنک ۵ برگ لذ لہذا اجراء حکم بانضمام برگ

وہنیامہ سدوین و دہ برگ سکر جگتہ مطلوبین آگاہ بہ پرنک ۴ برگ امرتہ

نامندگن جبارہ در ۱۴ برگ حبت سکر نہ لہذا مقتضی تقدیم میدارہ

سرگرد زعفرانچی
۵۱/۳/۴

۱- مذکورہ دستاویز رو بہ پرنک مذکورہ
سکر
۲- در اجراء و حبت باعداد حکم

سرگرد
۵۱/۳/۴

پیام مشترک محمد حنیف‌نژاد و سعید محسن در واپسین روزهای حیات

متن زیر قسمتی از پیام مجاهدین شهید محمد حنیف‌نژاد و سعید محسن در آخرین روزهای زندگی پرافتخارشان در شکنجه‌گاه اوین خطاب به مجاهدین زندانی است. صفحات این پیام در اثر یورش به سلول‌های زندان توسط پلیس به تاراج رفته است و تنها آنچه را در زیر می‌خوانید در دست است:

و سیعلم‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون (قرآن مجید)

برادران، ما در شرایطی دست به تحریر این پیام می‌زنیم که دشمن خونخوار جمیع امکانات را از ما گرفته و تحت شدیدترین و وحشیانه‌ترین شکنجه‌های غیرانسانی و قرون وسطایی، ما و رفقایمان را برای اعدام آماده می‌کنند. با این همه ما هرگز از پیروزی راهمان و تحقق اهدافمان ناامید نشده به آرمان‌ها و ارادهٔ خلق قهرمان ایران اعتقاد راسخ داریم، این است که علیرغم تمام فشارها هر طور شده کاغذ و قلم به سلول آورده و با مشاوره‌ای کوتاه، از آنجا که به اعدام خود یقین داشتیم پیام خود را خطاب به برادران خود نوشتیم:

بگذار دشمن مارا از هر کاری بازدارد و تحت هر فشاری قرار دهد، بگذار دژخیمان از هر چه علیه ما می‌توانند فروگذار نکنند. لیکن ما به راه خود که بدیهی است از جانب برادرانمان تا پیروزی کامل تعقیب می‌شود اعتماد راسخ داریم و این‌ها نمی‌تواند در ارادهٔ رزمندهٔ مجاهدین خلق کوچکترین خللی وارد آورد.

لذا برادران، وحدت تشکیلاتی ما هر مانعی را از برابرمان برخواهد داشت، هرگز مایوس نشوید. هر چه دارید در کفهٔ جنگ توده‌ای مسلحانه گذاشته و تا امحاء کامل امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم سلطنتی ایران بجنگید. راه ما راه خدا و راه توده‌هاست. پس پیش‌بینی می‌کنیم در همین امروز، که عاقبت همین سطور نیز انشاءالله پس از پیروزی در معرض تماشای عام قرار خواهد گرفت. و بار دیگر پیروزی حق و قوای طرفدار حقیقت بر باطل و قوای شیطانی ثابت خواهد شد، و بار دیگر غلبهٔ مشی تکامل

و ایمان بر باطل، که مشی دیرین هستی است به اثبات خواهد رسید. خواستیم برادران ما بدانند که در هر وقت و هر زمانی باید و می‌توان هدف را در نظر داشته و خلاصه با اراده‌ای رزمنده بدانند که در هر شرایطی باید مقاومت کرد. باید نه‌راسید. باید دشمن خونخوار را محکوم و خوار نمود. باید پوشش تیره و تاری را که آسمان میهن ما را احاطه کرده و جو خفقان را بار آورده است از هم درید.

برادران، روزگاری بود که گروه شما را که ما بنیاد گذاشتیم هیچ نداشت فی‌الواقع هیچ، اما به تدریج بر امکانات و قدرت ما افزوده شد. افراد جدیدی به ما پیوستند به حدی که در حال حاضر و امروز ما با اعضای بسیار و شنیده‌ایم که به عمل پرداخته و ماشین‌های پلیس را قبل از عید منفجر کرده‌اید. پس بدانید که پیروزی از آن ماست. ان‌الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. پس دل قوی دارید که باز هم خدا با ماست. همان نیروی عظیمی که ما را به این حد رسانده قادر است ما را حفظ کند و در کنف حمایت خود گیرد و از هیچ فیضی ما را محروم ندارد و خلاصه باذن خودش باز هم بالاتر و باز هم بالاتر از این‌ها برساند.

لیکن ادامه راه خدا هشیاری می‌خواهد، صداقت و احساس مسئولیت می‌خواهد. پس بر شماست که از اشتباهات درس بگیرید. وحدت تشکیلاتی را همیشه حفظ کنید. از دیگران عبرت بگیرید نه اینکه در چاه ویل اشتباهات سرنگون گردید. برادران مبادا تاریخ به قول حضرت علی از شما کسی بسازد که خود مایه عبرت سایرین شوید. ذیلاً شما را به رعایت اصول زیرین که رمز بقاء و کمال است دعوت می‌کنیم و شما را به رعایت جمیع آن‌ها که مایه دوام و تکامل حیات سیاسی و تشکیلاتی ماست فرامی‌خوانیم:

الف - اتخاذ موضع صادقانه در هر جا و مکانی.

.....

وصیت نامه مجاهد شهید محمد حنیف نژاد

بسم الله الرحمن الرحيم

خط الموت علی ولد آدم منخط القلاده علی جیدالفتاه و ما اولهنی الی اسلافی
اشتیاق یعقوب الی یوسف ... از حسین بن علی علیه السلام
مرگ بر اولاد آدم لازم گشته همچنان که گردن بند برای نوعروس و من برای
ملاقات اجداد پاکم چنان مشتاقم که یعقوب برای دیدار یوسف. من وصیتنامه زیر را در
کمال سلامتی و هشیاری کافی می نویسم.
پدر بزرگوام، من در زندگی تا آنجا که امکان داشت احترام تو را به جا آوردم و
در مواردی که احیاناً کوتاهی به عمل آمده است، امیدوارم مرا ببخشی. این کار، آگاهانه
نبوده است. فکر می کنم که کارهایم به طور عام و کلی کارهایم در راه خدا بوده است.
ما هشت نفر را که فعلاً سعید محسن، اصغر بدیع زادگان، محمود عسکری زاده، رسول
مشکین فام و مرا برای اعدام می برند، از خدا طلب عفو می کنیم، امیدواریم شما هم اگر
تقصیری از ما دیده بودید، ببخشید.

موقع دستگیری من مقداری وسایل توسط ساواک ضبط شده است، که آنچه یادم
هست عبارتند از: قالی یک تخت و قالیچه دو تخت (که این دو قالیچه را از خانه
عطاءالله حاجی محمودیان آورده اند) ساعت و وسایل فردی ام که می توانید تحویل
بگیرید. سعی کنید بعد از من ناراحت نشوید و هر وقت ناراحت شدید قرآن ترجمه دار،
بخصوص سوره احزاب، سوره محمد، سوره توبه و بعضی سوره های دیگر از این قبیل
را زیاد بخوانید.

فمنهم من قضی نحبه و منهم من یتنظر و ما بدلوا تبدیلاً

محمد حنیف نژاد _ ۵۱/۳/۴

وصیت نامه محمد باقر (اصغر بدیع زاده) فرزند محمدرضا در امامداد محمدرضا سردار

بسم الله الرحمن الرحيم - بن المؤمنین رسول الله ص قرا ما علمه و الله علیه فتمن من قضي نجب دهنم
 من يتظروا ما قبلوا به ملا . در نهایت که با کمال سلامی عمل و صفات خود را تنظیم مکنم منتهی خاص
 تمام که سطح کتب برادر بزرگ خود آقای اکبر بیج زارگان را در موارد کفایت احتیاج باشد و من
 خود فراموشم . از پدر و مادر و برادران و خواهر عزیزم فریادم که اگر در مورد آنها کاری باشد من
 کسب سلام مرا بپوشند چه میلان آتش دهنه در بچگی ، خداوند در حال و لحاف غیر خاندانی بناچار
 شستم . از خانواده خود فریادم که برای آرزوی من قرآن بخرند مگر قرآن با ترجمه باشد من
 که از طرف آنها بایم تلاوت شود سوره های توبه ، الاحقاف ، الاحزاب ، البقره . را بیشتر توصیه میکنم
 قضا بکنم حدیث خرازه رسول الله و کتب حدیث منجی فرقیست تا ب مشکلی در زندان شهرستانی
 ازین گرفته شد که قولم داده بگردید بگریه . ساعت با دو کار من باسد ولی پرل را در راه
 غیر حرف کسند . از خانواده فریادم که برای شهادت من ناراحت نباشند . عموش را بفرست
 میباید و امیدوارم در راه خدمت به جامعه کوشش کند . آقا بقدر توانا ائمه را احببم .

اصغر بیج زارگان

محمد باقر (اصغر بدیع زاده)

محمد باقر بیج زارگان
(اصغر بدیع زاده)

سنت ۲ صبح شنبه ۲۴/۴/۵۵

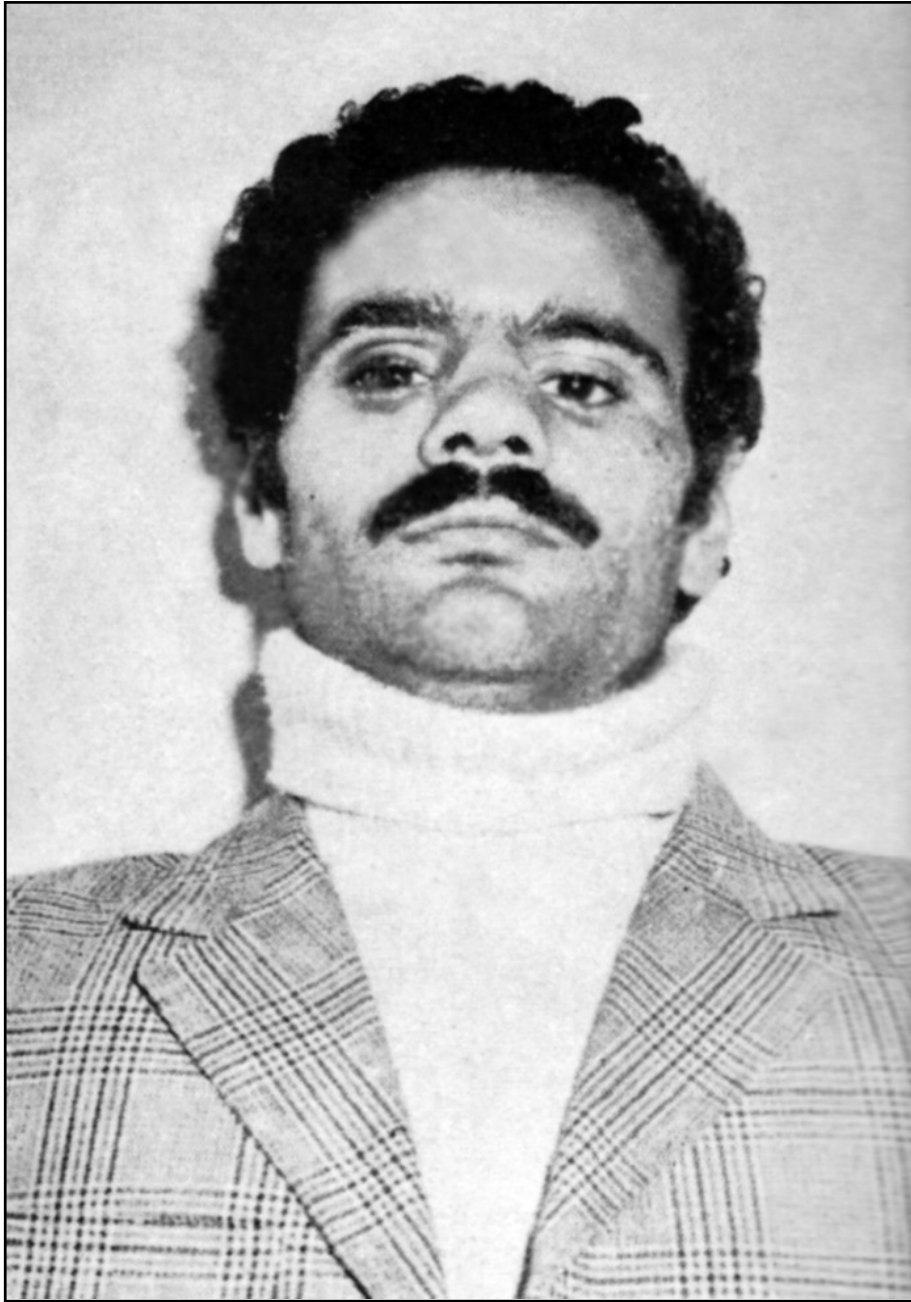
محمد باقر

وصیتنامه غیر ارثی اصغر بدیع زادگان فرزند محمود در بامداد ۱۳۵۱/۳/۴

بسم الله الرحمن الرحيم. من المؤمنین رجال صدقوا، ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً. در این ساعت که با کمال سلامتی عقل وصیتنامه خود را تنظیم می‌کنم مسئله خاصی ندارم که مطرح کنم. برادر بزرگ خودم آقای اکبر بدیع زادگان را در مواردی که ممکن است احتیاج باشد وصی خود قرار می‌دهم. از پدر و مادر و برادران و خواهر عزیزم می‌خواهم که اگر در مورد آنها کوتاهی یا گناهی مرتکب شده‌ام مرا ببخشند چه، می‌دانم انشاءالله در پیشگاه خداوند در قبال وظایف غیرخانوادگی گناهکار نیستم. از خانواده خود می‌خواهم که برای آموزش من قرآن بخوانند مخصوصاً قرآن با ترجمه سفارش می‌کنم که از طرف آنها برایم تلاوت شود. سوره‌های توبه، محمد (ص)، احزاب، عنکبوت را بیشتر توصیه می‌کنم. ضمناً مبلغ حدود هشت هزار ریال نقد و یک عدد ساعت مچی فورتیس قاب مشکی در زندان شهربانی از من گرفته شد که تحویل داده نگردید، بگیرید. ساعت یادگار من باشد، ولی پول را در راه خیر صرف کنید. از خانواده خود می‌خواهم که برای شهادت من ناراحت نباشند. همه شما را به خدا می‌سپارم و امیدوارم در راه خدمت به جامعه کوشا باشید. انا لله و انا الیه راجعون.

اصغر بدیع زادگان

ساعت ۲ صبح پنجشنبه ۵۱/۳/۴



رهبری در بند؛ محمد حنیف‌نژاد با بینی شکسته در زندان اوین در زمستان ۱۳۵۰

صورت جلسه مورخ ۳۰/۳/۵۱

در اجرای دادنامه شماره ۲۱ دادگاه تجدیدنظر شماره ۳ تهران منی بسیر
محکومیت فیرائتی ۵۱/۲/۱۲ شهرت محمدحسین فرزند محمد منی بسیر محکومیت به اعدام
کفایت آن نالی شماره ۴۰۱۶۶۶۳۷۶۸/۵ ابلاغ شد ساعت درصاعت ۲ صبح روز
۳۰/۳/۵۱ با حضور امضاء کنندگان زیر در دادگان جمعیده حاضر و ابتدا پزشک قانونی -
محکوم را معاینه و هیچگونه عارضه بیماری که مانع از اجرای حکم شود ندیده داشته سپس توسط آقای
نماینده مذکور. آداب و مراسم مذکور انجام و آنگاه ناهجده در معینه
ماورین مراقب بمیدان تیردندان پادگان مرکز واقع در میدان چیتگر بدوقه پس از فراغت رای وسیله
منشی دادگاه صادر و دستور اجرا از طرف نماینده دادستان ارتش نظامی صادره در باره محکوم
یاد شده طبق مقررات موازین قانونی بموقع اجرا گذارده شد و در خانه جسد وسیله پزشک قانونی -
معاینه و جواز دفن صادر و جسد جهت تحویل بمخانواد فاقی به سردخانه اداره پزشکی قانونی حمل
گردید .

۱- نماینده دادستان ارتش سردار محمدحسین
۲- پزشک قانونی دکتر محمدحسین
۳- افسر دینان سید محمد
۴- کاتب محمدحسین
۵- نماینده مشهوران سید محمد
۶- نماینده مذکور سید محمد
۷- منشی دادگاه سید محمد
۸- افسر زندان محمدحسین

گزارش تشریفات اعدام محمد حنیف نژاد

(X) صورتجلسه مطبوعه فی دین حضرت محمد بن حنیف نژاد فرزند حمیداله متهم

در ساعت ۳۰ روز ۲۴/۳/۵۱ که حکم اعدام فی دین حضرت محمد بن حنیف نژاد فرزند حمیداله که

استاد امریه شماره ۱-۳۵۳۶-۳-۹-۹-۱۰-۳۰۰-۳/۳/۵۱ اداره دادگاه ارتش و امریه شماره ۱۲۴-۹۹-۴۰
 ۵۱/۳/۳

شعبه قوانین دین در میدان تیر چنگیزه مرحله اجرا گذارده شده بشح زهر مطبوعه وی گذر تن داشتها

جنازه به پزشکی قانونی حمل گردیده است .

۱ است و مشاور است
 ۲ بلبر است سرد
 ۳ وزیر بزرگ و وزیر مشاور است
 ۴ کفر است بی حفت
 ۵ حراب بلا است بی حفت
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹

نایب داندستان ارتش سردار محمد عوامی
 فرمانده گردان زندان سر محمود رحیمی
 افسر اصلاحات زندان سردان حسن و رحیم
 درجه دار مطبوعه

صورتجلسه البسه ای که محمد حنیف نژاد هنگام اعدام به تن داشته است

صورتجلسه انبیا ولوان غبارتشی معدوم شده حر حنیف نژاد فرزند حمیداله

بدینوسیله انبیا ولوان غبارتشی معدوم شده حر حنیف نژاد فرزند حمیداله که به استناد

امره شماره ۱۸۰ مورخ ۳۰/۳/۶۶ - ۳۳۳/۳۳۳/۳۳۳ شماره دادریس ارتش وامره شماره ۱۴۴-۶۶-۴۰۱
 ۵۱/۳/۳

شعبه قوانین دزبان به اعدام حکم گردیده و اجرای حکم در ساعت ۱۰:۳۰ روز ۳۱/۳/۵۱ در میدان تهر

پتگرمه مرحله اجرا گذارده شده بشخ زهر انبیا ولوان وی صورتجلسه گردیده است.

۱ شهادت کدر

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

نماینده دادستانی ارتش سردار محمد زکریا

نماینده گردان زندان سرگردان محمد زکریا

انصرافاً حاکم زندان سروان محمد زکریا

درجه در مسئول محمد زکریا

+

صورتجلسه لوازم به جای مانده از محمد حنیف نژاد



ستاد بزرگ ارتش تهران

شماره
تاریخ ۴۴/۴/۲۵
پوست

(تلفن)

از
موضوع

با حضور افاضه کنندگان زیر به عملوار متعلق به محمد حنیف نژاد تحویل آقای حمید الله حنیف نژاد

گردید .-

رئیس دفتر ادستانی سرهای مسلح شاهنشاهی - سرهنگ صبوری

رئیس پایگاه نسبی - سرهنگ کرهاسی افشار

باشگاه دستوانیکم امام حسین

تحویل گرفته و حمید الله حنیف نژاد . حمد الله

گزارش تحویل لوازم به جای مانده از محمد حنیف نژاد به پدر او

جوان اولان که بودند؟ / ۵۲۹



نیم‌رخ‌چی از سعید محسن در زندان اوین به سال ۱۳۵۰

بام نامی دانا امینصر همایون ساسانه اریه پور



تاریکد کشتان

اداره دادوسی نیروهای مسلح شاختاهی

شماره
تاریخ ۱/۱/۱۳۵۷ هجری قمری

دادنامه

مرجع رسیدگی دادگاه طاری شماره ۳

جست دادستان: بریاست: سرهنگ ستاد جنس صلحکشر و کارمندی:

۱- سرگرد معاشی رضا وادان

۲- سروان قتایی محمد طلی احمدی

۳- ...

۴- ...


بیتدور رسیدگی به مؤید اتمی ۳ چای فرستیم ۱- محمد محسن فرزند سلطانی ۲- حسن بازرگانی فرزند سلطانی ۳- موسی نصیراوی خجانی فرزند سیف الله ۴- جاسم علی داوری فرزند فرزند حسن که با آنها نامحوظانه منظور برهم زدن امور حکومتی در حال در دست اشخاص طوبیت در دستک و جمعیتی که نام و زوجه آن عدم است با سلطنت متروکه است - حمل و استاده از سند محمود - صورتی از امر شرح شد در ذکر فرخواست در تاریخ ۱/۱/۱۳۵۷ تشکیل و حلاصه کتبی خواست صادره حاکیست که در آنجا سرمتقد به اید کلوری اسلامی بر جای - سوسیالزم مدارت با جاد سازمانی بنام بیازمان آزادی بختر ایران نبود و پیوسته یک سری فعالیتای مصره نبود که در نتیجه بی کتبی مامورین در دستک و پیوند و آنان پس از انطباق با جزئیات مفصلی با اید کلوری در امری خصوصی مسلح شاهنشاهی ارسال و ششمیه هفت با بررسی ارجاع و پراکنش و تحقیقات لازم در صحنه و مرا و سرمتقد و کتبی خواست مورخه ۵۰/۱۲/۳۰ میگردد همین پرونده از طریق اداره خصوصیه طی شماره ۳-۳۳۳۳-۲۲-۲۰۱ مورخ ۱/۱/۱۳۵۷ باین دادگاه احاله و هیئت دادستان پس از انجام تشریفات قانونی و تشکیل یک جلسه مقدماتی جهت بررسی و در جلسه رسمی دادرسی واستماع بهانات اصحاب در جرم و اعلام کفایت مذاکرات و ختم دادرسی در غایب طرفین دعوی و مستی بشورپرد اختصویشتر زیرمبارک بت بعد و برای منطایند

رای شماره ۱۴ مورخه ۲۷/۱/۵۱ دادگاه طاری شماره ۳

هیئت دادستان پس از بررسی و مدافعه در یک یک اوراق پرونده موصورتجلسات دادگاه پس از اجرای مظار ماده ۲۰۹ قانون دادرسی و کتبی را در با توجه با کتبی در متهمین که قسمتی از آن شرح زیر میباشد: ۱- شمیم در یک یک در بزرگ ۲۹۹ در محضر با زیر نظامی در برابر تفهیم اتهامات متهم در میگردد در شرایط فعلی از نظر اینجانب حمل مسلحانه و طبقه و حد نامتو هر فرد ابرار است با اینجهت اتهامات فوق از نظر اینجانب غیر مجاز نبود است خلاصه فعالیت اینجانب پس از آنکه که ارسال ۴۴ با محمد حقیق نژاد سازمان خود را تشکیل دادیم و فعالیت مسلحانه مورد قبول بود و وجه در مرحله ای که کمرسته مطالعاتی داشت در مرحله دوم ۵۵ در عا ارتعای مسلحانه بوده در مورد ۵۰ و ایضا نیز ۳۰ تا آژان در نظامیان جنین تصمیمی در تهران توسط آژان محمد حقیق نژاد و آقای امیرید بیژادگان - آقای جبهیز با کتبی - و سعید محسن اتحاد گردیده است در مورد استفاده از اسلحه نیز از طریق مدارک ساخته شده بران انتظار و در ضمن نظیر شما سامه توسط اینجانب تهیه گردیده است و رمیید اسلحه نیز توسط اولادیم خریداری شده و لازم برای کار با بوده است و در دستور خرید و نگهداری آن من شرکت داشته ام و همچنین اسلحه میگردد حمل و تشکیل مسلحانه اسلحه

شماره ۲۵


بنام شاهنشاهی ایران حضرت سیدون ساهمساه آریاسهر



شاهنشاهی ایران
اداره دادسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

شماره
تاریخ صفحه دوم

دنباله دادنامه

درخواستی که با این سند در خانه موجود در خیابان گلشن بوم در محله سلطانیه مورد بحث در این سند است در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۰۴
تصمیم دربار مسائل مربوط به گرفتن و نگهداری اسلحه خلیج و خرید و فروش اسلحه از پهلوانان برای انقلاب
ساخته بود اما یک در تصمیم گیری موثر بودند چهار مورد از اینها در نظر آقای الفکر که تصمیم بر آن بود که به خان و
دوره جدید نتواند جدا زنده گرفته شده است و بعد از این هم بازرگانی اسلحه را در هر دو صورتی زنده از سال ۱۳۰۴
مجموعه رجوی و چند بازرگانی وطنی همین در سال ۱۳۰۴ در تصمیم حاضر گرفتند و این را در تاریخ ۲۰ شهریور
نیز در گروه نظامی عیده دار طرح های نظامی بودند و نیز در برابر این شوال باز پرس نظامی که میفرستند تصمیم بر
تواند تصمیم در این باره اسلحه حکومت لیبون و تشکیل دستمزد همیشه با مراکز خرید و با سلطنت مربوطه ایوان و جعل
و استفاده از اسلحه در مجموع و معاوضت در صورت هواپیما و حمل و نگهداری اسلحه و تجهیزات جنگی فرستادند و اینها
آخرین دفاع هر دلیلی را که میخواستند خود میدادند و این کتبی و از خود دفاع نمیکردند چنین جواب میدادند موارد
شتر اینجانب مجاز بود موهبگی گرفته در این مورد و موارد فوق لازم نیست

با توجه به مطالب فوق و همچنین دلائل خدیج در این درخواست که مستحق این امر و این امر مستحق و چنین
- زهر بیان عنیده جنایتان اسلحه از لحاظ اتهام غیر مستقیم بر مردم با اسلحه مخوف و صورت در دست و وجهه
با تمام قوه خود باید انتقام شریک ایران در این باره و در این باره و در این باره و در این باره و در این باره و در این باره
با توجه به اینکه حکومت مشروطه سلطنتی را خراب کردند و در دست کمرایشان در سلطنت مشروطه میباید از
توانسته برسد حکومت مشروطه است طبعاً کلاً محو شده است با عمل واحدی که در این قانون مستند است
و غیره و مورد از مواد پس ماده ۳ قانون مجازات عمومی است بنابراین هر که در این باره از لحاظ این در این باره
ماده ۱۹ قانون دادرس و کهر ارتش ناظر بر ماده ۳۶ همان قانون است و این را در این باره حکوم جنایتان

ب - از لحاظ اتهام در دسته اشترار در باره هر سه نفر متهمین با توجه به آنکه در کتبی موافقاً با این
از این بجز ایران که انجام داده است بر مائتسابی را وارد و از لحاظ این اتهام هر سه نفر متهمین را با استناد ماده ۳
قانون دادرس و کهر ارتش با متعلق اینها به این قسم با کار حکومتی است - ب - از لحاظ اتهام جعل و استفاده
از اسلحه در باره هر سه نفر متهمین در این باره از اینها با توجه به آنکه در کتبی موافقاً با اینها را از طرف
بفرموده رصحه سوم

رای شماره ۱۹ مورخه ۱۱/۱/۳۱ دادگاه تجدید نظر شماره ۳ تهران

هیئت دادرسان دادگاه تجدید نظر شماره ۳ تهران پس از بررسی مطالبه‌های پیوسته و مذاکره کامل ذرائع آن و انجام تشریفات ماده ۱۰۹ قانون دادرسی کیفراتی تقسیم از رای شماره ۱۶ مورخ ۱۱/۱/۳۱ دادگاه عالی شماره ۳ تهران را که برابری امراتنی حاصل می‌گردد در پی این امراتنی جنین بدست ۵ صادر جنین میرد محکوم گردیده است از هر لحاظ موجهه بدلیل تشخیص و با توافقی امراتنی جنین بدست ۵ تقسیم دیگر از رای راجعت نظر می‌گردد با استناد ماده ۲۲۲ قانون دادرسی کیفراتی تراست و با توجه به لایحه مفروضه جنین بدست ۵ و رای هیئت دادرسان اظهارات جنین رد بنام یکم ۶ و در برگ ۱۹ در محضر بازرسی نظامی در برابر جنین جنین بدست ۵ می‌گردد در شرایط فعلی از نظر این جنین عمل مسلحانه و طعمه و حق قانون هر فرد ایرانی است با اینجهت اشکالات فنی از نظر این جنین غیر منطقی بوده است ۲ در مورد فعالیت‌های جنین اظهار می‌نماید که از سال ۱۶ با محمد حنیف زیاد سازمان جنین را تشکیل دادیم و فعالیت مسلحانه می‌رود که است و بعد از مرحله اولیه که زمینه مطالعاتی داشت در مرحله دوم تداریت تمام مسلحانه بوده ۳ در مورد هواپیمای جنین اظهار می‌نماید که جنین از رای راجعت نظر جنین در تهران توسط آقای محمد حسین زیاد آقای اصغر بدین زادگان آقای میرزا باگردد و خود جنین اختیار کرده است پس در مورد استاده از استاد میرزا باگردد از لفظ عدالت ساخته شده برآید استفاده در میان خود است با این جنین

بقیه در صفحه بعد



بقیه در صفحه بعد

تساوی بزرگ ارتش ایران

جنین در صفحه بعد

جنین / برگه / برگه

گرفته است در مورد این جنین بیان منطقی و سائل و لوازم خریداری شده بر آنگار با لازم بوده است و در دستور خرید و نگهداری من حرکت داشته ۷ در مورد تشکیل جلسات اظهار می‌نماید که جلسات در منزل سایر اعضای سازمان در خیابان گلشن بود و مطالب مورد بحث در جلسات مذکور شش ماهه را نتوان به خاطر این که در آن زمان در دسترس بود در وقت به دوی و الحاق سازمان الفتح به طور کلی مسائل خان و خرید و لوازم مورد نیاز برای انقلاب مسلحانه بوده است ۸ در برابر سؤال از هر جنین که می‌رود شما جنین چگونه می‌توانید اساس حکومت ایران و تشکیل دسته و جمعیتی با تمام همه ضد سلطنت مشروطه ایران و جعل و استفاده از اسناد جعلی و ضمانت در صورت هواپیما و حمل و نگهداری اسلحه و مهمات جنگی غیر مجاز می‌توانید هر منطقی را که بحال خود مفید میدانید بیان کنید جنین جواب می‌دهد موارد فوق از نظر این جنین مجاز بوده و هیچگونه دقاس در موارد فوق لازم نیست ۹ اظهارات محمد بازرگانی بشرح برگه ۲۶ برآمده جنین بازرگانی بشرح برگه ۲۶ برآمده و ناصر صادق بشرح برگه ۲۷ برآمده و سایر اعضا گروه بشرح برگه ۲۸ برآمده

ادامه دادنامه



سازندگان

اداره دولتی نیروهای مسلح شاهنشاهی

جبهه دادنامه دادگاه

شماره / شماره پرونده / شماره ثبت / شماره سند

سوان استنادی دادستان در کيفرخواست اولدیرور دهرسه غمرتسین وارد دانسته مطلق اولد ازلحاظ اتهام توطئه بخشور برهیزدن اساس حکومت هما ستاد ماده ۳۱۹ قانون دادرسی کیفراتی نظر بماده ۳۱۷ همان قانون به اعدام و ازلحاظ اتهام دخول در دستة اکرار مسلح بانستاد ماده ۱۰۴ قانون دادرسی کیفراتی بختس دایم باکار و ازلحاظ اتهام عضویت در دستة و جمعیتی با تمام صوره قدر سلطنت مشروطه ایران بانستاد بند ۱ ماده ۱ قانون مجازات خدمتین علیه امنیت واستقلال مملکتش بدت ده سال حبس مجسرد ازلحاظ اتهام حمل واستفاده از سند مجعول بانستاد بند ۱ ماده ۹۸ قانون مجازات عمومی بدت پانزده سال حبس با اعمال شاقه و ازلحاظ اتهام حمل و پداری اسلحه ومهمات غیر مجاز بانستاد ماده ۴۳ قانون قاچاق اسلحه ومهمات جنگی اصلاحی سال ۱۳۰۴ هرکذا از ضحمان رد بجهای اعدام بدت سه سال حبس تادیبی صرد اوجب مطلق صی هزاربیل فرات و ازلحاظ اتهام صبور غیر مجاز از همز ضهم رد بدسوم رای بانستاد ماده ۲۶ قانون تذکره برودا خندده بر ابرهست تذکره حکوم میباشد که باعایت بماده ۲ الحاقی باصول محاکمات جوا کفرشد اعدام د باره هرک از ضحمان رد بجهای

۱-۳ قابل اجرا میباشد در مورد تخیر و بدت ۲ بدت محدود بودن نحوه فعالیت و جوانی و عدم ارضاع و اجار قضیه تا بعد و راستحق بکدرجه تخفیف دانسته و باعایت بماده ۴۵ کفر قانون مجازات عمومی ختم فراروتسین عیبت بازنگانی فرزند علی را حبس دائم باکل حکوم متعلقند امن رای غیر قطعی بدسوم در محضرس دادگاه با حضور اصحاب موجود فراروت و اصلاح کرد بدت که در نظر بدت ده روز بعد از اعلام رای قابل اجرا خواهد شد نظر در این خصوص که در مورد هم و مسائل بدت اندم بنفع دولت ضبط کرد

رئیس دادگاه تجدید نظر شماره ۳ تهران سرهنگ ستاد حمید آذربای

دادستان

۱- سرهنگ حمید آذربای
 ۲- سرهنگ سعید مرتضی آینه سرهنگان
 دادستان دادگاه
 ۱- سرهنگان
 ۲- سرهنگان
 ۳- سرهنگان
 ۴- سرهنگان
 ۵- سرهنگان
 ۶- سرهنگان
 ۷- سرهنگان
 ۸- سرهنگان
 ۹- سرهنگان
 ۱۰- سرهنگان
 ۱۱- سرهنگان
 ۱۲- سرهنگان
 ۱۳- سرهنگان
 ۱۴- سرهنگان
 ۱۵- سرهنگان
 ۱۶- سرهنگان
 ۱۷- سرهنگان
 ۱۸- سرهنگان
 ۱۹- سرهنگان
 ۲۰- سرهنگان
 ۲۱- سرهنگان
 ۲۲- سرهنگان
 ۲۳- سرهنگان
 ۲۴- سرهنگان
 ۲۵- سرهنگان
 ۲۶- سرهنگان
 ۲۷- سرهنگان
 ۲۸- سرهنگان
 ۲۹- سرهنگان
 ۳۰- سرهنگان
 ۳۱- سرهنگان
 ۳۲- سرهنگان
 ۳۳- سرهنگان
 ۳۴- سرهنگان
 ۳۵- سرهنگان
 ۳۶- سرهنگان
 ۳۷- سرهنگان
 ۳۸- سرهنگان
 ۳۹- سرهنگان
 ۴۰- سرهنگان
 ۴۱- سرهنگان
 ۴۲- سرهنگان
 ۴۳- سرهنگان
 ۴۴- سرهنگان
 ۴۵- سرهنگان
 ۴۶- سرهنگان
 ۴۷- سرهنگان
 ۴۸- سرهنگان
 ۴۹- سرهنگان
 ۵۰- سرهنگان
 ۵۱- سرهنگان
 ۵۲- سرهنگان
 ۵۳- سرهنگان
 ۵۴- سرهنگان
 ۵۵- سرهنگان
 ۵۶- سرهنگان
 ۵۷- سرهنگان
 ۵۸- سرهنگان
 ۵۹- سرهنگان
 ۶۰- سرهنگان
 ۶۱- سرهنگان
 ۶۲- سرهنگان
 ۶۳- سرهنگان
 ۶۴- سرهنگان
 ۶۵- سرهنگان
 ۶۶- سرهنگان
 ۶۷- سرهنگان
 ۶۸- سرهنگان
 ۶۹- سرهنگان
 ۷۰- سرهنگان
 ۷۱- سرهنگان
 ۷۲- سرهنگان
 ۷۳- سرهنگان
 ۷۴- سرهنگان
 ۷۵- سرهنگان
 ۷۶- سرهنگان
 ۷۷- سرهنگان
 ۷۸- سرهنگان
 ۷۹- سرهنگان
 ۸۰- سرهنگان
 ۸۱- سرهنگان
 ۸۲- سرهنگان
 ۸۳- سرهنگان
 ۸۴- سرهنگان
 ۸۵- سرهنگان
 ۸۶- سرهنگان
 ۸۷- سرهنگان
 ۸۸- سرهنگان
 ۸۹- سرهنگان
 ۹۰- سرهنگان
 ۹۱- سرهنگان
 ۹۲- سرهنگان
 ۹۳- سرهنگان
 ۹۴- سرهنگان
 ۹۵- سرهنگان
 ۹۶- سرهنگان
 ۹۷- سرهنگان
 ۹۸- سرهنگان
 ۹۹- سرهنگان
 ۱۰۰- سرهنگان

۵۶

در اداره اوردن نیروهای مسلح ناشناخته

ریاست سازمان امداد و امنیت کشور

موضوع: پرونده اتهامی غیرارتش سعید محسن نوزند (ملفین حر) پیوست

ششم به... توطئه بینظیر بهزادین اساس حکومت، دخول در دسته اشرا مسلح، عضویت در دسته و جمعیتی با امرام رویه ندیت با سلطنت مشروطه ایران، جعل و استفاده از سند جعلی و جعل و نگهداری اسلحه و مهمات غیر مجاز.

بازگشت بشماره ۱۵۸۷/۳۱۲ - ۵۰/۱۱/۲۴

دادستان ارتش با رأی شماره ۱۰ - ۵۱/۲/۱ دادگاه تجدید نظر شماره ۳ تهران مبنی بر محکومیت نامبرده به اعدام موافقت نموده است که بعلمت عدم تصویب فرجامخواهی محکم در تاریخ ۵۱/۳/۲ بدینوسیله نطقیت آن اعلام میگردد. اسناد اعداد مقرر نمائید حکم اعدام صادره در باره محکم یاد شده ضمن انجام کلیه تشریفات قانونی با رعایت مفاد بخشنامه شماره ۱۴۹/۱/۱۴۴/۴۰۲ - ۴۸/۱۲/۱۶ در اعداد روز پنجشنبه مورخه ۵۱/۳/۴ در میدان تیربادگان مرتب بوقوع اجرا گردانده و نتیجه را اعلام دارند.

رئیس اداره اوردن نیروهای مسلح ناشناخته - سید محمد خرد دروس

گیرندگان

- ۱ - فرماندهی دزبان مرکز جهت اطلاع و اجرای حکم.
- ۲ - ریاست اداره پزشکی قانونی جهت اطلاع و اعزام یکمرازان آتاپیان پزشکیان بایکد ستگاه آمبولانس و تناس با دزبان یادگان مرکز.
- ۳ - ریاست زندان نزل قلعه پیرو شماره ۲/۳۲۲۱/۱۶۶/۴۰۱ - ۵۱/۱/۲۹ دادگاه تجدید نظر شماره ۳ تهران جهت اطلاع و اتمام لایم.
- ۴ - دایره قضائی.
- ۵ - شعبه اجرائیات، دادستانی ارتش جهت اطلاع و درن مطالب درد فائو مربوطه.
- ۶ - سرکرد زعفرانین جهت اطلاع و سنارت برآی حکم و گزارش نتیجه آن.
- ۷ - ستوانیکم مهرباز جهت اطلاع و فرات حکم صادره.

انجام کننده - سرمنگ بیانی

صورت جلسمون ۳۳ رازاه

در اجرای دادنامه شماره ۱۹ دادگاه تجدید نظر شماره ۳ تهران منی بر
 ۵۱/۲۹
 محکومست غیرارتشی شهرت کهن فرزند منیر منی بر محکومیت با اعدام
 کفالت آن طی شماره ۵۱/۶۶/۳۳۱/۵ ابلاغ شد ساعت در ساعت ۲ صبح روز
 ۵۱/۳۳ رازاه با حضور امضاء کنندگان زیر در یادگان جمعیده حاضر و ابتدا پزشک قانونی -
 محکوم را معاینه و تشخیص داده فاصله بیماری که مانع از اجرای حکم شود نداشته منی توسط آنست
 نماینده مذهبی. آداب و مراسم مذهبی انجام و آنگاه نایب در محکومیت
 مامورین مراقب بحد ان تیرد زمان یادگان مرکز واقع در میدان چیتگر بدرقه و پس از فراتر ای وسیله
 منفی دادگاه و صدور دستور اجرا از طرف نماینده دادستان ارتش نظامی صادره در باره محکوم
 یاد شده طبق مقررات و موازین قانونی بوقوع اجرا گذارده شد و در خانه جسد و سینه پزشکی قانونی -
 معاینه و جواز دفن صادر و جسد جهت تحویل به خانواده فانی به سردخانه ادار پزشکی قانونی حمل
 گردید .

- | | |
|--|---------------------------------|
| ۱- نماینده دادستان ارتش <u>محمد باقر</u> | ۲- پزشک قانونی <u>رضا</u> |
| ۳- افسر زمان <u>محمد</u> | ۴- نماینده مذهبی <u>سید</u> |
| ۵- نماینده منشی کل کشور <u>محمد</u> | ۶- افسر زندان مردان <u>محمد</u> |
| ۷- منفی دادگاه <u>محمد</u> | |

صورتجلسه مجلس غیرارثی سعید محسن فرزند سلیمان ششم

در ساعت ۴۰۰ روز ۱۳/۳/۵۱ که حکم اعدام غیرارثی سعید محسن . فرزند سلیمان که به

استناد امره شماره ۵-۲۱-۳۲-۹۶-۴۰۱-۱۳/۳/۵۱ اداره دادنیس ارثی وامره شماره ۴۰۱-۲۶-۱۲۴
۱۳/۳/۵۱

شعبه قوانین در میان درمیدان تهر چیتگره مرحله اجرا گذارده شده بشخ زهرا بیوس وی کدرتن دانشها

جنازه به پزشکی قانونی حمل گردیده است .

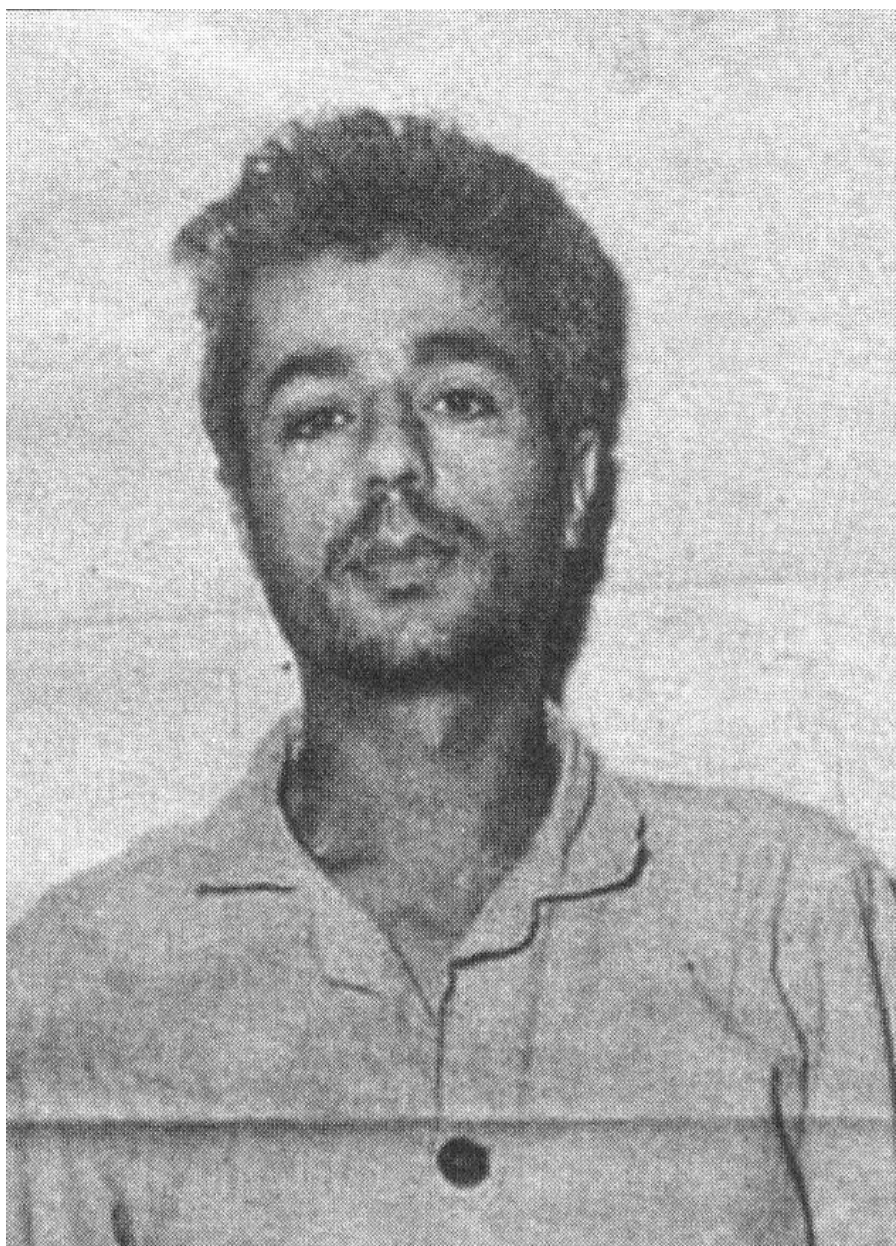
- ۱ پیلیر قفا کتر سید محسن
- ۲ شدار جیاز فائده سید محسن
- ۳ پیراحسن سید محسن
- ۴ کفتر سید محسن
- ۵ جیازاب سید محسن
- ۶ زیربیز دوزیر سید محسن

۷
۸
۹

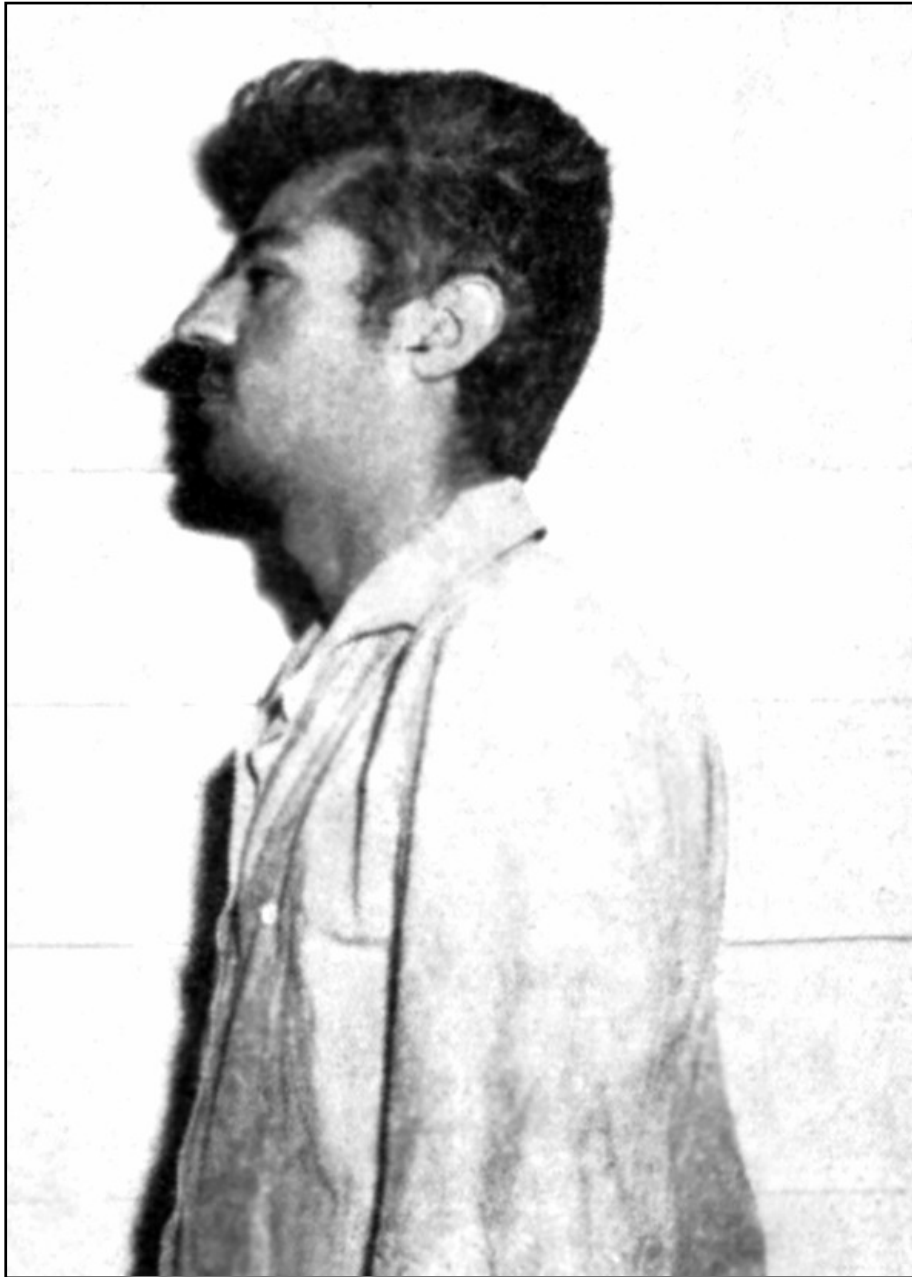
نماینده دادستانی ارثی حرور محمد علی -
فرمانده گردان زندان سرگرد نصر
انسرا: احوال زندان سردان در جلاوت

صورتجلسه البسه‌ای که سعید محسن هنگام اعدام به تن داشته است

جوان اولان که بودند؟ / ۵۳۹



اصغر پشت سوخته در اوین، تمام رخ



نیم رخ

بنام نوری بندگان محلیضرت عالیون شاهنشاه اریغی



بینه دادنامه دادگاه
شماره بزرگ از شماره ۲۲
تاریخ دادنامه ۰۱/۹/۲۰
ماده ۱۲
ماده ۱۲

۰۱/۱/۲۲ شمردیم ری بیک اصغر بدیع زادگان فرزند محمود را از لحاظ توطئه منظر به مزدن حکومت و دخیل در دسته اشراک با نهایت جاده ۲۱ قانون مجازات عمومی با استناد مواد ۳۱۷ و ۳۱۹ قانون داری و کینارانش مجازات اعدام و از لحاظ قضیت در دسته و معیث با مرام و رویه ضد سلطنت مشروطه ما یران با استناد بند ۱ ماده ۱ قانون مجازات خدین علیانیت و استتلال ملکین حسب جرد اد ماه ۱۳۱۰ به ده سال حبس مجرد و از لحاظ حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز با استناد ماده ۱۲ اصلاحی قانون قاچاق اسلحه و مهمات جنگی به سه سال حبس تادیبی و پرداخت سی هزار ریال جزای نقدی و از لحاظ شروع به رسیدن والا کور شهرام با استناد مواد ۲۰۳ و ۲۰۲ قانون مجازات عمومی به سه سال حبس مجرد محکوم که طبق قسمت اخیر ماده ۲ ملحقه باصول محاکمات جزا به کینر اشد (اعدام) باصول

دادستان ارتر در باره شهر ری بیک بیک نسبت به استدلال دادگاه
عادی: جاره آنهران منی بر اینکه اتهام توطئه منظر به مزدن اساس حکومت با تجمیع دخیل در دسته اشراک مبلغ تعدد جنسیتی محسوب و غالباً با رعایت ماده ۳۱ مبادرت بعد در رای نمود مانده موجه نبوده و از اینجیب برای صادره منظر و در باره شویسم رد بیدن بعلت استدلال دادگاه بشرح فوق و قلت کینر و همچنین صد در رای بر اثبات از حیث جعل که موجه نبوده و در باره شهبان رد بینهای سوم و چهارم بعلت قلت کینر و شهبین برای صادره منظر و تقاضای تجدید نظر منبایند نتجتا پرونده طی شماره ۱-۳۳۶-۱۱-۱۱-۱۱-۱۱ مورخه ۰۱/۱/۲۸ از طریق اداره منجه باین دادگاه احاله که پس از انجام تشریفات قانونی در تاریخ ۰۱/۱/۱۹ پرونده در جلسه مقدماتی بررسی گردید و جلسه دادرسی روز ۰۱/۹/۲۰ تعیین شد و در روز ۰۱/۹/۲۰ جلسه دادرسی تشکیل و پس از استماع بیانات دادستان دادگاه مورد نامیات وکلای مدافع اخذ آخرین دفاع از شهبین ختم جلسه دادرسی از طرف رئیس دادگاه اعلام هیئت دادرسان در قیاب اصحاب دعوی و منشی بشهر پرداخته و بشرح زیر مبادرت بعد در رای منبایند

رای شماره ۲۲ مورخه ۰۱/۱/۲۰ دادگاه تجدید نظر شماره ۱۳ شهرام
هیئت دادرسان دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده و مدافعه کامل اوراق آن با اجرائی مقررات قانونی ماده ۰۹ قانون داری و کینر ارتر رای شماره ۱۳ مورخه ۰۱/۱/۲۲ دادگاه عدون شماره ۳ شهرام را بعلت عدم رعایت مواد قانونی در مورد بینه دادنامه دادگاه

بنام نامی پندگمان اعلی حضرت هایدون شاهنامه آرپاچهر

اداره دایرستی نیروهای مسلح شاهنشاهی



بقیه دادنامه دادگاه

تاریخ ۱۳۲۰/۲/۱۷ - شماره ۲۲ - تاریخ ۱۳۲۰/۲/۱۷ - پنجم

بره های توطئه بمطوق بهیزدن اساس حکومت و دخول در دسته اشراک مسلح متنسبه به ضعیفان ردیفهای یکم و دوم و کلاک زبایت ماده ۳۱ و عدم تناسب کیفیت معینه با بره ارتکابی در مورد مقیم ردیف سوم و غیر موجهه و غیر عدل بودن رای صادره در باره مقیم ردیف چهارم بلخاق آرا' نسخ و شرح نیز در باره ضمیمه ردیفهای یکم و دوم و سوم تعیین کفر معاینه .

۱- مقیم ردیف یکم غیر ارتشی اصغر بدیع زادگان فرزند محمود محمود با قبول کلیه دلایل بندج در کفر حواست و دادنامه و توجه باطهارات مقیم در مراحل تحقیق و محصر دادگاه با رعایت ماده ۲۰ الحاقی باصول ساکنا کیمیرا از لحاظ توطئه بمطوق بهیزدن اساس حکومت باستاناد ماده ۳۱۶ ناظر بماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کفیس ارتش باهدام و از لحاظ دخول در دسته اشراک مسلح باستاناد ماده ۴۰۶ قانون دادرسی و کفیس ارتش به استناد و از لحاظ عمیت در دسته و جمعیتی باامرام و غیره مندر سلطنت شروط ایران باستاناد بند ۱ ماده ۱ قانون مجازات - مد من صیه امنیت و استقلال ملکتی مصوب خرداد ماه ۱۳۱۱ به ده سال حبس مجرم و از لحاظ حمل اسلحه و صیاح غیر مجاز باستاناد ماده ۴۳ اصلاحی قانون قاچاق اسلحه و صیاح جنگی غیر مجاز به ده سال حبس تا' دسی و پرداخت سی هزار ریال جرای نقدی و از لحاظ شروع به بودن و لا کفر شهرام باستاناد مواد ۲۰ و ۲۰۴ قانون مجازات عمومی به ده سال حبس مجرم معنایند که برابر است اخیر ماده ۲ الحاقی باصول محاکمات جزایی کفر اشد (اهدام) در باره غیر ارتشی اصغر بدیع زادگان فرزند محمود محمود وجود اجراء گذارده خواهد گشته این رای در محضر رسیدن دادگاه باحضر اصحاب دعوی قرائت و ابلاغ کرد بد که از تاریخ اجراء رای نهایت ده روز تا قبل بر اجراء است الفد رئیس دادگاه تجدید نظر شطره طهران - سرلشکر موسی رحیمی کرجانی

دادستان

۱- سرهنگ بهادر محمد حسن شهریار
۲- سرهنگ بهادر سید حسن کاظمی
۳- سرهنگ بهادر حسن گلشنی
۴- سرهنگ بهادر سیروس مطرفی
۱- سرهنگ دکتر بازمنشته مجره
۲- سرهنگ همتی کوردی
۳- سرهنگ ...
۱- اصغر بدیع زادگان فرزند محمود محمود
۲- عبدالسی مدظنی جهری فرزند ...

رای شماره ۱۳۰ - مورخه ۲۴ / ۱۵ / ۱۳۵۷ دامگاه عالی آذربایجان
 هیئت دادستان دادگاهها بررسی دقیق محتویات پرونده و توجیهات فاضل وکلای مدافع و پاسخ دادستان دادگاه و
 هم چنین نهایت به آخرین دفاع خود متهمین بالا اجرای ماده ۲۰۹ قانون دادرسی و گزارشات مشخص بر داشته در برابر هیئت
 از متهمین پرونده بشرح پائین اظهار عقیده می نمایند الف - در باره متهم ردیف یکم (اصغر بدیع زاهدگان)
 بنابه لایحه مشروحه ۱- اعتراضات متهم منس بر اینکه از دره / مالک فعلی با محمد حسن و سید حنیف تواد سعادت
 (بقیه در نسخه ششم)

نسخه رسمی در دو کپی انقضای صورت صحایون شایسته است



سازمان دادرسی

اداره دادرسی نیروهای مسلح شایسته

شماره
تاریخ صفحه ششم

دنباله دادنامه

تبعیت از آزادی و جد و جاتفاق ائمان جلیانی تشکیل داده است (برگه ۷ پرونده مربوطه ۲- اظهارات عبدالرحمن
 شامین نام نمید چینی بر این متهم پس از دیدن آموزش در گروه الفتح با ایران مراجعت و بلا تفاق طرح چون و کلا کبر
 شهرام را نخته اند (برگه ۱۴ پرونده مربوطه ۳- اظهارات محمد حنیف تواد - لطفعلی بهبه و ناصر صالح و سید
 امالیشای مشترک با متهم (برگه های ۱۰ و ۱۱ پرونده مربوطه ۴- اظهارات سید محسن نبی بر اینکه متهم
 چهار تنه مسلح و در وقتیکه کت از جاسازی چند آن خارج چه محمد حنیف تواد تحویل نموده است (برگه ۲۲
 پرونده مربوطه ۵- اعتراضات متهم منس بر اینکه با سعید حسن و محمد حنیف تواد در منزل حضور بازرگان جلیانی
 تشکیل و بانفاق سعید رجوی - دکتر جلیانی - رضا واحد وضائی و دیگران بغالبت گروهی پرداخته اند (برگه های
 ۲۴ و ۲۵ پرونده مربوطه ۶- اعتراضات متهم منس بر هر یک متهمانسه و سید سید پروت و دیدن تبلیغات چینی در لیسان
 و سوره آوردن چهار تنه مسلح و در وقتیکه اصلاحه کمری و ۱۵۰ تنه تفنگ با ایران (برگه های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ پرونده
 مربوطه ۷- اعتراضات متهم منس بر اینکه لیسه قدوسی از زندانهای وایری تراز حق و متاخران نمود که وسایل
 وی بسلول تبلیغات برآمده و تحویل دهند (برگه ۱۱ پرونده مربوطه ۸- اعتراضات متهم منس بر اینکه حرمه
 استخلام در دستگیره گان عضو شبکه جلد درت با طرح کردن شخصهای متهم حاکمیت نمود و در اجرای این منظور برای
 بودن و لا کبر شهرام مسلحانه اقدام می نماید که با هکست بوجه همه - و ن - و افر تیراندازی رسول ماهین با زخمی
 میکرد (برگه های ۱۳ و ۱۴ پرونده مربوطه ۹- اظهارات متهم منس بر اینکه با تفاق آراء اتهامات انتظامی
 توسطه بدستور سپردن اساس حکومت و در داخل در دسته افرار مسلم و منسوبه - در دسته و جمعیتی با برام خدمت سلطنت
 مشروطه احیل اصلاحه و حیانت و فرج جاز و فرج بودن و لا کبر شهرام با همیز مسلم ماگستف و جنج قلمت با هیات طبعه ۲
 الحانی با عملی محاکمه جزا خوارتشی اصغر بدیع زاهدگان فرزند محمود و از لحاظ توطئه بدستور سپردن اساس
 حکومت و در داخل بدستنه اشرار با هیات طبعه ۳۱ قانون مجازات عمومی با استناد ماده ۳۱۷ و ۳۱۸ قانون دادرسی
 و تیرا رفتن مجازات اقدام محکوم نمایند و از لحاظ ضرورت در دسته و جمعیتی با برام خدمت سلطنت مشروطه ایران با استناد
 بند ۱ ماده ۱ قانون مجازات عمومی علیه امنیت و استقلال حاکمیت صورت پذیرد ماده ۱۳۱ بدستمال حرمه
 مجرد و از لحاظ حیل اصلاحه و حیانت و فرج جاز با استناد ماده ۱۲ اصلاحیه قانون قاجار اصلاحه حیانت جنگی
 به سال حسن تادیبی و پرداخته می هزار ریال جزای نقدی و از لحاظ فرج بودن و لا کبر شهرام با استناد ماده
 ۲۰ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی به سال حسن مجرد محکوم نمایند که طبق قسمت اخیر ماده ۲ - طبقه با عملی -
 محاکمات جزا کبر باشد (مجازات اقدام) بر وفق اجرا گذاشته خواهد شد

صالح لاهی: تدوین و تصحیح و چاپ در تهران -



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

اداره فقهی و حقوقی مجلس شورای اسلامی

دنباله دادنامه شماره تاریخ صفحه هفتم

سنا خرمی در تاریخ ۱۲۲۰ هجری قمری در این باب در حضور اصحاب و دعوی قرائت و ابلاغ گردید که
شرف حدت ۵ روز پس از ابلاغ می تواند نسبت به برای صلح و تقاضای تجدید نظر نماید *

رئیس دادگاه عالی شماره ۲ تهران - سرهنگ قضاکی داد جنر و شوق

- دادستان
- ۱- سرکرد قضاکی نیر اله نیراد
 - ۲- سرور قضاکی محمد علی علی اصحابی
 - ۳- سرهنگ بازنده محمد دکتر عسفی
 - ۴- سرهنگ بازنده محمد دکتر عسفی
 - ۵- سرهنگ بازنده محمد دکتر عسفی
 - ۶- سرهنگ بازنده محمد دکتر عسفی

- ۱- خیرالشیخ اشرف بدیع زادگان نوزند محمود قنبر قنبر نوزاد
 - ۲- عبدالمنین حسن جهرسون نوزند محمد قنبر قنبر نوزاد
 - ۳- عبدالصمد حاجدیان نوزند محمود قنبر قنبر نوزاد
 - ۴- یزدان حاجی حمزه نوزند علی اصغر صابر محمد نوزاد
- تاریخ: ۱۳۰۰ - الفصل

اقدام سریع

رئیس اداره آدرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی **سازمان ارتش**
 ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
 موضوع: پیروند متنباهی غیرارتشی اصغر بدیع زادگان (تلفن)

شماره: ۸-۳۰۳۲۶-۱۱-۱
 تاریخ: ۳۰/۳/۵۹
 پست:

فرزند محمود:
 متهم به: توطئه بمنظور بهزدن اساس حکومت - دخول در دسته اشرا مسلح - عضویت در دسته و جمعیتی با مرام ویژه ضدیت با سلطنت مشروطه ایران - حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز و شروع بر بودن والا کهر شهسرام
 بازگشت بشماره ۳۱۲/۱۶۷۳ - ۵۰/۱۱/۲۶

دادستان ارتش بارای شماره ۲۲ - ۵۱/۲/۲۰ دادگاه تجدید نظر شماره ۲ تهران مبنی بر محکومیت نامبرده به اعدام موافقت نموده است که بعلت عدم تصویب فرجام خواهی محکم در تاریخ ۵۱/۳/۲ بدینوسیله قطعی آن اعلام میگردد استدعا دارد مقرر فرمائید حکم اعدام صادره در باره محکم یاد شده را ضمن انجام کلیه تشریفات قانونی با رعایت مفاد بخشنامه شماره ۱۴۹/۱/۴۴/۴۰۲ - ۴۸/۱۲/۱۶ و دیگر احکام روز ششم مورخه ۱۳۴۸ در میدان تیربادگان مرکز بموقع اجرا گذارده و نتیجه را اعلام دارند.
 رئیس اداره آدرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی - سببه یاد محمدریس

گیرندگان

- ۱- فرماندهی دزبان مرکز جهت اطلاع و اجرای حکم
- ۲- ریاست اداره پزشکی قانونی جهت اطلاع و اعزام یک نفر از آقایان پزشکان بایکد ستگاه آبولانس و تماس با دزبان یادگان مرکز
- ۳- ریاست زندان قزل قلعه پیرو شماره ۳-۳۰۳۶-۱-۱۶-۴۰ دادگاه تجدید نظر شماره ۲ تهران جهت اطلاع و اقدام لازم
- ۴- دایره قضائی
- ۵- شعبه اجرائیات دادستان ارتش جهت اطلاع و درج مطالب در دفاتر مربوطه
- ۶- سرگرد زعفرانچی جهت اطلاع و نظارت بر اجرای حکم و گزارش نتیجه آن
- ۷- ستوانیکم مهربان جهت اطلاع و قرائت حکم صادره

کننده - سرهنگ بیانی

اقدام سریع

ری

حکم قطعی اعدام بدیع زادگان

صورت جلسه مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۸

در اجرای دادنامه شماره ۲۲ دادگاه تجدید نظر شماره ۲ تهران منی سر
 حکومت غیرارتشی اصغر شهرت بدیع زاده فرزند محمد منی سر حکومت به اعدام
 کتفصی آن طس شماره ۴۰۳۶/۸-۲۱/۱۶۱/۸ ابلاغ شد ساعت در ساعت ۲ صبح روز
 ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۸ با حضور امضا کنندگان زیر در دادگاه جمعیته به حاضر و ابتدا پرتشگ قانونی -
 محکوم را معاینه و هیچگونه عارضه بیماری که مانع از اجرای حکم شود ندانسته سپس توسط آنستای
 نماینده مذکور آداب و مراسم مذهبی انجام و آنگاه ناهوده در معیبهت
 مأمورین مراقب بمیدان تیرد زهان پادگان مرکز واقع در میدان چیتگر بدرقه پس از قرائت رای وسیله
 منشی دادگاه و صدور دستور اجرا از طرف نماینده دادستان ارتش مفاد رای صادره درباره محکوم
 یاد شده طبق مقررات و موازین قانونی بموقع اجرا گذارده شد و در خانه جسد و سطله پرتشگ قانونی -
 معاینه و جواز دفن صادر و جسد جهت تحویل بخانواده های به سردخانه ادار پرتشگ قانونی حمل
 گردید .

۱- نماینده دادستان ارتش (بدیع زاده فرزند محمد منی سر حکومت)
 ۲- افسر زهان (محمد علی محمدی)
 ۳- نماینده منشی ارتش (محمد علی محمدی)
 ۴- پرتشگ قانونی (محمد علی محمدی)
 ۵- نماینده منشی دادگاه (محمد علی محمدی)
 ۶- نماینده منشی (محمد علی محمدی)
 ۷- منشی دادگاه (محمد علی محمدی)
 ۸- افسر زندان (محمد علی محمدی)

صورتجلسه هیات امناء بنیاد خیراتش اصفهر بدیع زادگان نوزاد مهر و محرم

در ساعت ۴۰۰ روز ۱۳/۳/۸۱ که حکم اعدام خیراتش اصفهر بدیع زادگان نوزاد مهر و محرم

استاد امریه شماره ۱۱-۳۵۳۳-۳۵-۳۰-۱-۳-۱۳/۳/۸۱ اداره دادوسی اصفهر شماره ۱۵۴-۳۶-۹۱
۵۱/۳/۳

نمبه قوانین دلیان در میدان تیرتنگیه مرحله اجرا گردانده شده پیش از این هیات امناء و کدرین دانشها

جنازه به پزنگی قانونی حمل گره پده است .

۱ پیرهن سفید مهر

۲ شلوار قهوه‌ای مهر

۳ بلیر سفید مهر

۴ کت سفید جفت

۵ جراب سفید جفت

۶ زربازو زرد سفید

۷
۸
۹

نایب رییس هیات امناء بنیاد خیراتش اصفهر

فرمانده گردان زندان سرگزستان اصفهر
انسرواصلاحات زندان سردان من یار
درجه دار هیات امناء

صورتجلسه البسه‌ای که اصغر بدیع زادگان به هنگام اعدام به تن داشته است



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

(تفصیل)

شماره
 تاریخ
 پرونده
 از
 موضوع

در خصوص اسناد کتبی «مجموعه بدیع زاده گنج» متعلق به اصغر بدیع زاده گنج توسط دفتر اسناد ملی
 نیروهای مسلح شاهنشاهی تحویل آقای محمود بدیع زاده گنج گردید :
 بولتنده - انصاریال - پاسوریه - ده - پیراهه ۲ - ده - چوپا ۳ - چغت - قرآن کریم یک - جامد
 کف دست و توری یک - ده - زهرشوری ۲ - ده - ساعه سیندا کوه - ده - حوله یک - ده
 ریوش یک - ده - شورت ۲ - ده - زینوش ۳ - ده - دستمال یک - ده - کاپشن و ما - ده
 یک قالب .

رئیس دفتر اسناد ملی
 سرهنگ کرمانی - سرهنگ صوری

رئیس باگانی
 سرهنگ کرمانی - انصار

باشگاه مست و انکلیط

تحویل گیرنده : محمود بدیع زاده گنج
 محل بیع زاده گنج

گزارش تحویل لوازم به جای مانده از اصغر بدیع زاده گنج به پدر او